

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ : 1385/08/26

در صحیح بخاری، ج 1، ص 56 باب من رفع صوته بالعلم از عبد الله بن عمرو بن عاص آورده است:

عن عبد الله بن عمرو قال تخلف النبي صلي الله عليه وسلم في سفرة سافرناها فأدركنا وقد أرهاقتنا الصلاة ونحن نتوضأ فجعلنا نمسح علي أرجلنا فنادي بأعلي صوته ويل للأعقاب من النار مرتين أو ثلاثا.

صحیح البخاری، البخاری، ج 1، ص 21

این را صحیح مسلم، ج 1، ص 131 دارد و دیگر محدثین همگی این روایت را نقل کرده اند. من حدود چهار روایت از صحیح مسلم آورده ام که وقتی این روایت ها کنار هم دیگه قرار می گیرند معنا پیدا می کنند. در روایت دیگر از صحیح مسلم در صفحه 131 ح 593 چاپ های جدید:

عن عبد الله بن عمرو قال رجعنا مع رسول الله صلي الله عليه وسلم من مكة إلي المدينة حتي إذا كنا بماء بالطريق تعجل قوم عند العصر فتوضأ وهم عجال فانتهينا إليهم وأعقابهم تلوح لم يمسها الماء فقال رسول الله صلي الله عليه وسلم ويل للأعقاب من النار أسبغوا الوضوء.

صحیح مسلم، مسلم النيسابوري، ج 1، ص 147

اولا در این حدیث سفر معنا شد که سفر، سفر مکه به مدینه بوده است و البته ابن حجر دارد که مراد حجة الوداع است و ثانیاً آمد گفت: «فتوضؤا وهم عجال» مردم با عجله وضو می گرفتند و در ادامه پیامبر فرمود «أسبغوا الوضوء»؛ یعنی نیکو وضو بگیرید. روایاتی دیگری که «اسبغوا» دارد، این اسبغوا را برای ما معنا می کند. مثل روایت رفاعه که می گوید مراد از «اسبغوا» چیست.

روایت سوم که هم در بخاری هم در مسلم است:

محمد بن زیاد قال سمعت أبا هريرة وكان يمر بنا والناس يتوضؤون من المطهرة قال أسبغوا الوضوء فان أبا القاسم صلي الله عليه وسلم قال ويل للأعقاب من النار

صحیح البخاری، البخاری، ج 1، ص 49. در صحیح مسلم با کمی تفاوت نقل شده است: عن محمد بن زیاد عن أبي هريرة انه رأى قوما يتوضؤون من المطهرة فقال أسبغوا الوضوء فاني سمعت أبا القاسم صلي الله عليه وسلم يقول ويل للعراقيب من النار (صحیح مسلم، مسلم النيسابوري، ج 1، ص 148)

روایت چهارم از سالم مولی شداد است:

عن سالم مولی شداد قال دخلت علي عائشة زوج النبي صلي الله عليه وسلم يوم توفي سعد بن أبي وقاص فدخل عبد الرحمن بن أبي بكر فتوضأ عندها فقالت يا عبد الرحمن أسبغ الوضوء فإني سمعت رسول الله صلي الله عليه وسلم يقول ويل للأعقاب من النار.

صحیح مسلم، مسلم النيسابوري، ج 1، ص 147

پس ما چهار روایت در صحیحین داشتیم. يك روایت از عبد الله بن عمرو عاص داشت که: «فجعلنا نمسح علي أرجلنا» ما همگی داشتیم مسح می کشیدیم. روایت دوم دارد که «تعجل قوم عند العصر وأعقابهم تلوح لم يمسها الماء» این اعقاب شان روشن بود و آب به آن جا نرسیده بود، حضرت فرمود: «ويل للأعقاب من النار اسبغوا الوضوء» روایت سوم و چهارم هم این که در سفری بوده یا نه فقط داشت «اسبغوا الوضوء» وضو را کامل بگیرید. حالا باید ببینیم که این «اسبغوا الوضوء» به چه معنا است.

در روایت رفاعه که حاج آقاي سبحاني هم آورده بودند، ولي بدون این که روي سند روایت کار بشود. از صحاح سته، سنن ابن ماجه، سنن أبو داود و سنن نسائي آورده اند. يعني سه تا از صحاح سته این روایت را آورده اند.

عن عمه رفاعة بن رافع، أنه كان جالسا عند النبي صلي الله عليه وسلم فقال "إنها لا تتم صلاة لأحد حتي يسبغ الوضوء كما أمره الله تعالى. يغسل وجهه ويديه إلي المرفقين، ويمسح برأسه ورجليه إلي الكعبين.

سنن ابن ماجة، محمد بن يزيد القزويني، ج 1، ص 156. البته سنن نسائي و أبي داود با تفاوت هايي این گونه نقل کرده اند.

«كما أمره الله تعالى» اشاره به آیه 6 سورة مائده (آیه وضو) دارد. پیغمبر در این حدیث خیلی شفاف حرف زده است. معنای اسبغ الوضو این است؛ یعنی همان چیزی که خداوند در قرآن فرموده است.

این روایت را طحاوي از بزرگان اهل سنت در شرح معاني الاخبار، ج 1، ص 35 آورده است.

سیوطی در درّ المنثور، ج 2، ص 262 به همین شکل آورده است. حاکم نیشابوری در مستدرک الصحیحین تعبیرش این است:

فقال رسول الله صلي الله عليه وآله انها لا تتم صلاة أحد حتي يسبغ الوضوء كما امره الله عز وجل يغسل وجهه ويديه إلي المرفقين ويمسح رأسه ورجله إلي الكعبين... هذا حديث صحيح علي شرط الشيخين.

المستدرک، الحاکم النیسابوری، ج 1، ص 242. بحث سندي حاکم : هذا حديث صحيح علي شرط الشيخين بعد أن أقام همام بن يحيي اسناده فإنه حافظ ثقة وكل من أفسد قوله فالقول قول همام ولم يخرجاه بهذه السياقة إنما اتفقا فيه علي عبيد الله بن عمر عن سعيد المقبري عن أبي هريرة وقد روي محمد بن إسماعيل هذا الحديث في التاريخ الكبير عن حجاج بن منهال وحكم له بحفظه ثم قال لم يقمه حماد بن سلمة

«علي شرط الشيخين» يعني شرايطي را که بخاري و مسلم براي آوردن در صحيح شان کرده اند در اين روايت وجود دارد. بخاري يك شرايطي داشت که رواياتي را مي آورد که داراي آن شرايط بوده است. عبارت اخرايش اين است که جايش بود که بخاري و مسلم اين حديث را در صحيحين بياورند؛ چون شرايط آن را داشت؛ ولي نياورده اند. ذهبي از استوانه هاي رجالي اهل سنت است که از او تعبير مي کنند به امام الجرح و التعديل.

ايشان بر حرف هاي حاکم يك تقريضي زده است آمده بعضي از رواياتي را که از دیدگاه خودش صحيح نبوده است، گفته به نظر من صحيح نيست. بعضي از روايات را گفته است که صحيح است در بعضي ديگر هم اظهار نظر نکرده است. مي گویند که اگر ذهبي هم در يك روايت گفت صحيح است و حاکم هم گفت صحيح است، به منزله ورود روايت در بخاري و مسلم است.

این روایت رفاعه از روایاتی است که ذهبی هم آنرا صحیح می‌داند (تنقیح التحقيق في أحاديث التعليق، الذهبي، ج1، 162). پس از نظر سند ما مشکلی نداریم. جایش بود که آقای سبحانی هم این بحث را می‌آوردند؛ چون آن چه که به یک روایت اعتبار می‌دهد، بحث سندی است.

روایت رفاعه را هم سه تا از صحاح سته آورده‌اند و هم حاکم و ذهبی تصحیح کرده‌اند. و خیلی‌های دیگر از علمای اهل سنت آن را نقل کرده‌اند.

نکته‌ای که از این روایت استفاده می‌شود این است که وقتی پیامبر فرمود: «ویل للأعقاب من النار» خطاب پیامبر به «قوم عجال» است نه به عموم مردم. کسانی که با عجله وضو می‌گرفتند؛ یعنی معلوم است که «ویل للأعقاب» متوجه ماسحین نیست.

من دو تا نکته اساسی می‌خواهم در این جا داشته باشم:

نکته اول اساسی این است که: «فجعلنا مسح علي أرجلنا» و از آن طرف هم «قوم عجال» دارد، خطاب پیامبر متوجه آقای عبد الله بن عمرو بن عاص نیست؛ بلکه خطاب به «قوم عجال يتوضؤون» است. در روایت‌های بعدی هم بود که: «تلوح اعقابهم لم تمسها الماء» یعنی این‌ها یا مسح نکشیده بودند یا خیلی جزئی روی پای این‌ها آب نرسیده بود؛ یعنی آن‌ها مسح غلط می‌کردند. یعنی تمام روی پا را آب نگرفته بود که پیامبر آن سخن را فرمود. اصلاً اسمی از غسل نیست، اسمی از این که شما مسح نکشید نیست. فرض کنیم که مسح برای کل پا واجب بود؛ ولی آن‌ها تمام پا را مسح نکشیده بودند.

نکته دیگر که در این جا هست ، آن چه می توان از این روایت استفاده کرد،

ان المستفاد من اللفظ المتفق عليه غير ذلك فإن الراوي يقول تخلف النبي عنا في سفرة سافرناها هذه السفرة كان بعيد نزول آية المائدة عند رجوع من مكة الي المدينة.

فتح الباري، ج1، ص213 . البته این نقل قول را بنده از ابن حجر در فتح الباري پیدا نکردم

بعد در این جا که پیغمبر اکرم می فرماید: «ويل للأعقاب من النار» در همه روایت ها يك نکته ظریف وجود دارد که می گوید: «ارهقتنا الصلاة» ما نماز را به آخر وقت انداخته بودیم. یا «قوم عجال» نزدیک بود نماز قضاء شود، داشتند با عجله وضو می گرفتند و می خواستند نماز بخوانند که حضرت فرمود: «ويل للأعقاب من النار» اصلا این جا کلمه اعقاب به معنای پا نیست؛ بلکه به معنای نسل های آینده است؛ یعنی وای بر نسل های آینده ای که «يؤخرون الصلاة الي آخر وقتها» در حقیقت نماز را در غیر وقت می خوانند و رعایت اول وقت را نمی کنند. این در حقیقت عبارت اخري «فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ الَّذِيْنَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ» (الماعون / 4-5) است. در ذیل آن آیه سیوطی در در المنثور، ج8، ص642، می گوید:

وأخرج أبو يعلي وابن جرير وابن المنذر وابن أبي حاتم والطبراني في الأوسط وابن مردويه والبيهقي في سننه عن سعد بن أبي وقاص قال سألت النبي صلي الله عليه وسلم عن قوله الذين هم عن صلاتهم ساهون قال هم الذين يؤخرون الصلاة عن وقتها قال الحاكم والبيهقي الموقوف أصح.

الدر المنثور، جلال الدين السيوطي، ج 6، ص 400 . و روایت دیگری را نیز به همین مضمون نقل می کند که : وأخرج

ابن جرير عن ابن عباس في قوله الذين هم عن صلاتهم ساهون قال الذين يؤخرونها عن وقتها . (همان)

در روایت بخاری هم که دارد ما تأخیر انداخته بودیم تا آخر وقت. نماز رسیده تا لحظات آخر که فرمود: «ویل للأعقاب من النار». الاعقاب، نحن تأخرنا الصلاة الي آخر وقتها. در آیه شریفه «ویل للمصلین» هم می گوید: «الذین يؤخرون الصلاة عن وقتها». پس این روایت هیچ ارتباطی به ما نحن فيه ندارد. پیغمبر که می فرماید «ویل للأعقاب» یعنی وای بر نسل های آینده که نماز را به آخر وقت می اندازند.

آن ها نمی توانند به این روایت استدلال کنند؛ ولی ما می توانیم؛ چون دارد که: «کنا نمسح علی ارجلنا». این جا ثابت است بر این که مسح بر ارجل بوده است. اصلاً ارتباطی به بحث غسل ندارد. مسح ثابت است، بعد از نزول آیه شریفه هم بوده است؛ چون آخرین سفری است که مردم از حجت الوداع برمی گردند. این روایت در زمان پیامبر که صادر نشده است، بعد از این که اختلافات آمده است، صادر شده. می خواهد بگوید که ما در زمان پیامبر هم ما مسح می کردیم. تعریفی است که بر کسانی که طرفدار غسل رجلین هستند.

سؤالاتی از ابن قدامه :

صریح صحیح بخاری ابن بود که: «فجعلنا نمسح علی ارجلنا» آخرین سفر پیغمبر هم بوده است ما چند سؤال طرح می کنیم:

1. آیا این که آقای عبد الله بن عمرو عاص که می گوید: همگی مسح می کردیم، وظیفه آن ها تا آن زمان غسل بوده و مسح کرده اند؟ که پیامبر فرمود: ویل للأعقاب؛ یعنی «ویل للماسحین من النار». این آقایان که مسح می کردند، آیا وظیفه آن ها غسل بوده و این وظیفه را ترك کرده بودند و مخالفت امر شارع کرده بودند؟ و پیامبر گفت: وای بر شما. یعنی کل این مردم ترك امر شارع کرده بودند؟ ویل در حقیقت دلالت بر مخالفت با امر شارع می کند.

یعنی جهنم خواهند رفت کسانی که الآن مسح می کنند. آیا حاضرید به این ملتزم باشید؟ و این با عدالت صحابه نمی سازد.

2. اصلا به طور کلی هیچ امری پیامبر در باره غسل یا مسح نکرده بود، این آقایان صحابه که مسح کرده اند از پیش خودشان برداشت شان این بود، از آیه این را استفاده می کردند که وظیفه شان مسح است، پیغمبر فرمود که وای بر شما چرا مسح می کنید. این با مبنای شما نمی سازد. اگر واقعا يك عبارت صریحی از سوی شارع نیامده است، نهی صریحی نیامده است و این ها مخالفت نهی نکرده اند، ویل معنا ندارد. ویل در حقیقت عقاب است و عقاب بلابیان قبیح است و پیامبر چنین کاری نمی کند.

3. ما می گوئیم تا ایام حجة الوداع وظیفه آن ها مسح بوده است. آیه شریفه آمده است که شما غسل کنید، از آیه شریفه پیامبر غسل را استفاده کرده است. و این ها بر خلاف آیه قرآن مسح می کردند. بعد پیامبر آمد و فرمود: وای بر شما، خدا به شما دستور داده است که غسل کنید، چرا مسح می کنید. این که آیه دلالت بر غسل می کند به آن ها رسیده بود و مخالفت کرده بودند یا مضمون آیه هنوز به گوش آن ها نرسیده بود، هر طرف را بگیرد با ویل و عقاب همخوانی ندارد. یا نه شما می فرمایید که عمدتا هم گفته اید که ناسخ است، یعنی قبلا غسل بوده است، آیه آمد و گفت مسح کنید، این حدیث آمد دوباره آیه را نسخ کرد و به حال قبلی برگشت. اگر واقعا این است، این آقایان مطابق با آیه مسح کرده اند، این جا ویل چه معنا دارد، بر عکس باید تقدیر هم بشوند. وقتی آیه می آید و نسخ می کند احکام گذشته را، همه مردم تبعیت کرده اند از آیه قرآن. ویل برای کسی که از آیه قرآن تبعیت کرده است، معنا ندارد. هر طرف که جواب بدهد یا با عدالت صحابه نمی سازد، یا با قبح عقاب بلابیان. اجتهاد هم که باشد، در اجتهاد هم باید اجر بگیرند نه این که به ویل بیفتند.